

لراخوان سازمان جوانان توده ایران به جوانان و دانشجویان صلح دوست و ترقی خواه ایران!

دوستان عزیز!

"سیزدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان" در تابستان سال ۱۳۶۸ در جمهوری دمکراتیک خلق کره برگزار خواهد شد. فستیوالهای جهانی جوانان و دانشجویان، که اولین آن در سال ۱۳۲۶ در پراگ پایتخت جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی برگزار گردید، با خود تاریخی پر افتخار را به همراه دارند. این فستیوالهای صلح و دوستی همواره میعادگاه جوانان و دانشجویان سراسر جهان بوده و نقش ارزنده‌ای در متحد کردن آنها در راه مبارزه برای صلح، دوستی، همبستگی ضدامپریالیستی و پیشرفت اجتماعی ایفا کرده است.

جوانان مترقی ایران از همان آغاز بنیانگذاری فستیوال نقش ارزنده‌ای در تدارک و برگزاری آن بازی کرده‌اند. سازمان ما به نمایندگی از جانب جوانان مترقی میهن مان در همه این سالها علیرغم جو ترور و اختناق حاکم، توانست در همه این فستیوالها (بجز در یک مورد) شرکت کند و پیام جوانان و دانشجویان میهنمان را به گوش جوانان پنج قاره برساند.

"دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان"، که در تابستان ۱۳۶۴ با شرکت بیش از ۲۰۰۰۰ نفر از جوانان ۱۵۷ کشور جهان با شکوه بی نظیری در مسکو برگزار شد، برای جوانان میهن ما نیز نقطه عطفی بود. برای اولین بار در تاریخ شرکت جوانان ایرانی در این فستیوالها، به دعوت سازمان ما، کمیته هماهنگی این فستیوال، متشکل از "سازمان جوانان توده ایران"، "سازمان جوانان فدائی (اکثریت)" و "سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران" ("آدسی") تشکیل شد و شرکت جوانان مادر این فستیوال را سازماندهی کرد. در فستیوال مسکو، همچنین نمایندگان از "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" و "کمیسون ارتباطات سندیکائی کارگران ایران" نیز حضور داشتند. متأسفانه دیگر سازمانها و نیروهای مترقی ایرانی برای شرکت در این فستیوال با شکوه آمادگی نشان ندادند.

بقیه در ص ۲

درصحنات تجد

در اتحاد شوروی چه می گذرد؟ (۳)
در ص ۴
اعتصاب کارگران کفش ملی، کوناها ناموفق
در ص ۲
رفیق جمشید عسگری زبوسکنجه جان باخت
در ص ۳
حزب توده ایران در گردهمایی اولان باتور در ص ۸

کارگران و جنگ

جنگ امپریالیسم پرافروخته ایران و عراق برای کارگران میهن ما بیشترین قربانی و خسارات مالی را به بار آورده است. در عین حال، در شرایط تشدید بیسابقه بحران اقتصادی - اجتماعی و ورشکستگی مالی رژیم، حکام مرتجع جمهوری اسلامی به دستاویز جنگ به عنوان "مسئله اصلی" همچنان کارگران را از ابتداییترین حقوق و آزادیهای دمکراتیک محروم نگهداشته‌اند. زندگی دشوار و پرمشقت کارگران هر روز دشوارتر و مشقت پارتتر می‌گردد و رژیم که پایه‌های لرزان حاکمیت خود را در خون نهاده است، هرپانگ حق طلبانه و جنبش اعتراضی و اعتصابی زحمتکشان را زیر چتر سرکوب و وحشیانه قرار می‌دهد.

کارگران زحمتکش، در طی بیش از هفت سالی که از آغاز جنگ بقیه در ص ۶



شماره ۱۶۳ دوره هشتم
سال چهارم سه شنبه ۱۳۶۶/۴/۲۳
بها ۲۰ ریال

پیکار توده‌ایها در عرصه سیاسی - اجتماعی

سازند. نباید لحظه‌ای از نظر دور داشت که مافقط با آشنائی با زندگی کارگران می‌توانیم به طبقه کارگر نزدیک شویم و از طریق این طبقه با دیگر توده‌های محروم جامعه پیوندهای استوار برقرار سازیم و اعتماد کامل توده استعمار شونده را جلب کنیم.

چنین است راه پیروزی. چنین است وظیفه خطیری که در برابر همه هسته‌های حزبی و فرد-فرد هواداران حزب که هنوز نتوانسته‌اند در هسته‌ها گرد آیند، قرار دارد. این وظیفه مشکلی است. اما توده‌ایها که در عرصه پیکار انقلابی تجربه آموخته‌اند و آبدیده شده‌اند می‌توانند این وظیفه مشکل را انجام دهند. بویژه اینکه موضع سیاسی ما هم در زمینه خواستهای طبقه کارگر و هم در زمینه خواستهای دیگر گروههای اجتماعی که باید در مرحله کنونی انقلاب در جبهه متحد خلق گرد آیند، صریح و روشن است.

بائیان مارکسیسم - لنینیسم بارها خاطر نشان کرده‌اند که انقلابها توسط اکثریت خلق انجام می‌گیرد نه با نیروی یک حزب. برخی سازمانهای چپ با پیشه کردن توده‌ای ستیزی دانسته و فهمیده خط مشی سیاسی ما را تحریف می‌کنند. آنها می‌گویند نثراتی را به جنبش تحمیل کنند که هیچ ارتباطی با روح مارکسیسم ندارد. توده‌ایها در هر کجا که هستند باید با اینگونه اتهام زدن مقابله کنند.

ما خواهان همکاری با همه نیروهای انقلابی و دمکراتیک بهر شکلی، از اتحاد در جبهه واحد تا وحدت عمل پیرامون این یا آن خواست مبرم بوده و هستیم. حزب ما مبارزه در راه سرنگون کردن رژیم ضد خلقی ج.ا. را مهمترین وظیفه خود می‌داند. حزب ما مرحله کنونی انقلاب را ملی و دمکراتیک تشخیص داده است. انقلاب در مرحله کنونی باید نخست خواستهای عام دمکراتیک را تحقق بخشد و این نیز فقط بر پایه برنامه مشترک مورد موافقت همه نیروهای سیاسی و انقلابی امکان پذیر است.

بقیه در ص ۲

پیکار سر سخت و آشتی ناپذیر توده‌ایها مبارز و فداکار در همه عرصه‌های سیاسی - اجتماعی ادامه دارد و هر روز وسعت و دامنه بیشتری می‌یابد. فعالیت هسته‌های حزبی، بویژه پس از برگزاری کنفرانس ملی قابل ستایش است. اینکه رفقا نتوانستند اسناد و مدارک مصوب کنفرانس ملی را در فاصله زمانی کوتاهی تکثیر کنند و به میان توده‌های زحمتکش و در درجه اول کارگران ببرند، نشانگر سازماندهی صحیح کار مخفی در شرایط ترور و اختناق حاکم بر کشور است.

کنفرانس ملی حزب توده ایران کار در میان کارگران و در درجه اول در کارخانه‌های بزرگ مرکز تجمه پروولتاریای صنعتی را یکی از وظایف مهم در شرایط کنونی مبارزه تشخیص داد. جای خوشودی است که هسته‌های حزبی گامهای موثری در تحقق بخشیدن به این اصل مهم برداشته‌اند. چرا حزب برای کار در میان کارگران اهمیت خاص قائل است؟ برای اینکه سرنوشت نهائی انقلاب ملی و دمکراتیک به معنی گذار آن به انقلاب اجتماعی قبول از هر چیز وابسته به نقش طبقه کارگر است. لنین می‌گفت، تامین پیروزی بر سرمایه‌داری مستلزم برقراری رابطه صحیح میان حزب کمونیست رهبری کننده و طبقه انقلابی یعنی پروولتاریا و توده‌ها، یعنی مجموع زحمتکشان و استعمار شندگان است. فقط طبقه کارگر می‌تواند توده‌های زحمتکش و استعمار شونده را به میدان بکشد و مبارزه انقلابی را، نه با حرف، بلکه با عمل انقلابی توده‌ای، از طریق در آمیختن خواستهای سیاسی و اقتصادی، به آنها بیاموزد و راه رهایی را نشانشان دهد. پروولتاریا فقط بدان سبب انقلابی می‌شود که در چارچوب تنگ عطفی خود محدود نمی‌ماند و در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی می‌تواند نقش رهبر تمام توده‌های زحمتکش را ایفا کند.

مصوبه کنفرانس ملی بر این اصل لنینی استوار است. هسته‌های حزبی باید بکوشند تا بهترین نمایندگان طبقه کارگر را در صفوف حزب متشکل

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

بند "جهل ساده" و بند "جهل مرکب"

گزارشی کوتاه درباره زندان تبریز

در زندان تبریز دگر گونیهای رخ داده است. روسای زندان بندی را به طرفداران سوسیالیسم اختصاص داده‌اند و قیاس به نفس کرده و آن را "بند جهل" نامیده‌اند. این بند قبلاً "آموزشگاه" نامیده می‌شد و محل نگهداری زندانیان سیاسی زن بود که اکنون به "بند نسوان" منتقل شده‌اند.

"بند جهل" خود به دو بند جداگانه تقسیم شده است: "بند جهل مرکب" و "بند جهل ساده" که در اولی توده‌ایها و در دومی دیگر طرفداران سوسیالیسم زندانی شده‌اند. گروهی از توابعان و عوامل رژیم، مشهور به "تواب نگهبان" نیز به بند جدید منتقل گردیده‌اند که کار آنها آزار رساندن به مبارزان، "کنترل" آنان و سخن چینی است.

زندانیان بند "جهل" اغلب چشمپایان بسته است و حق صحبت کردن ندارند و اگر کسی بخواهد چیزی بگوید باید دستش را بلند کند و پس از آمدن "تواب نگهبان" خیلی آهسته حرفش را با او در میان بگذارد. در غیر اینصورت کار به تعزیر و شکنجه می‌کشد. معمولاً در هر سلول ۲ الی ۴ زندانی نگهداری می‌شوند. در تمام طول روز صدای گوشخراش بلند گوها شنیده می‌شود که نوحه و سخنرانی مذهبی پخش می‌کنند. وضع غذا بسیار نامرتب است و گاهی بسته به تشخیص "تواب نگهبان" زندانی از خوردن یک یا چند وعده غذا محروم می‌شود. از هواخوری خبری نیست. زندانیان در طول ۲۴ ساعت فقط سه بار حق رفتن به توالت دارند، آن هم در صورتی که مورد خشم و غضب واقع نشده باشند. ناراحتی‌های چشمی، کمر درد، زخم معده و ناراحتی دستگاه گوارش از بیماریهای رایج است. زندانیان اغلب از ملاقات

به جوانان و ...

دوازدهمین فستیوال جهانی صفحه درخشانی از همبستگی جوانان مترقی جهان با مبارزات جوانان و دانشجویان کشور ما بود. در این فستیوال با شکره اعضای هیئت نمایندگی ایران، در ۱۵ مرکز مختلف، در هر کجا که زبان گشودند و دبیر شرکت کنندگان را از مبارزات دشوار و قهرمانانه جوانان ایران آگاه کردند، با استقبال گرم و پر شور شرکت کنندگان روبرو شدند.

در این فستیوال دهها سازمان جوانان و دانشجویان، به نمایندگی از جانب میلیونها عضو خود همبستگی رزمجویانه‌شان با مبارزات جوانان و دانشجویان ایران و با زندانیان سیاسی میهن‌مان را، که در سیاهچالهای رژیم جنایتکار خمینی اسیرند، اعلام داشتند و فریادهای همبستگی با این گلهای سرخ اسیر در همه میدانهای فستیوال، سرود جوانان جهان گردید.

دوستان گرامی! بیایید تا به صورت هر چه باشکوه‌تر در

پیکار توده‌ایها ...

ما، از اینکه حل وظایف عام دمکراتیک در مرحله کنونی را در برابر تمام مردم بهمان داریم و روی آن تکیه کنیم، هراسی نداریم و آن را وظیفه حزب طبقه کارگر می‌دانیم. کسانی که مبارزه حزب توده ایران در راه دگر گونیهای دمکراتیک را به اصطلاح "عدول از سیاست مستقل پرولتاریا" می‌نامند، سخت در اشتباهند. به عقیده ما فقط پرولتاریا می‌تواند و باید مبارز پیشگام دگر گونیهای دمکراتیک باشد. ما بر آنیم که فقط پرولتاریا می‌تواند دمکراتیزه شدن نظام سیاسی و اجتماعی را برجام برساند، اما پرولتاریا بدون در نظر گرفتن خواستهای نیروهای غیر پرولتر نمی‌تواند نقش رهبری را ایفا کند.

مشئ سیاسی ما از انطباق جهان بینی بالنده مارکسیسم لنینیسم بر شرایط اجتماعی و سیاسی کشور سرچشمه می‌گیرد.

ف. انگلس در اواخر سده هیجدهم نوشت: "... نظر من این است که تئوری تاریخی مارکس شرط بنیادی هر نوع تاکتیک انقلابی استوار و پیکر است. برای یافتن این تاکتیک فقط باید این تئوری را طبق شرایط اقتصادی و سیاسی هر کشور بکار برد. ...". بعدا لنین نیز بارها روی این مسئله مهم تاکید کرد. هر کس این اصل را درک نکند از مارکسیسم - لنینیسم بهره‌ای نگرفته است.

یکی از شرایط ضرور آماده ساختن پرولتاریا برای پیروزی عبارت است از مبارزه سخت و بی‌امان علیه هر گونه انحراف "چپ" و راست. یگانه راه در این زمینه بردن برنامه حزب بدون توده‌ها است. هسته‌های حزبی بدرستی در این راه مبارزه می‌کنند. ثمرات فداکاری هسته‌های حزبی به اندازه‌ای چشمگیر است که دشمن را به وحشت انداخته است.

اخبار مربوط به تشدید فشار در درون زندانها و دستگیری مجدد شماری از هواداران حزب که مدت زندان آنها تمام شده بود - مندرج در شماره‌های اخیر "نامه مردم" - موبد این وحشت سران ج. ا. است. اما، توده‌ایهای در بند علیرغم شکنجه و فشار با مردانگی بی نظیری با دژ خیمان مقابله می‌کنند.

جمهوری اسلامی موریتانی

با جمهوری اسلامی ایران

قطع رابطه کرد

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی موریتانی روابط دیپلماتیک خود را با جمهوری اسلامی ایران قطع کرد. در اطلاعیه وزارت امور خارجه موریتانی گفته می‌شود که علت اتخاذ این تصمیم امتناع ج. ا. از بی‌کامی طرف پایان دادن به جنگ ایران و عراق است. ساجت ج. ا. ایران در خودداری از مذاکره پیرامون قطع جنگ، صلح و ثبات در منطقه خلیج فارس را به خطر انداخته است.

با خانواده‌های خود محروم می‌شوند. در جو خفقان شدید، گاهی کار به زد و خورد با عوامل رژیم و انتقال زندانی به بند مجرد (سلول انفرادی) می‌کشد. برخی از زندانیان "بند مجرد" را ترجیح می‌دهند، چون می‌توانند چشم بندشان را بردارند، در طول سلول یک متر در دو متر قدم بزنند و از دست توابعان در امان باشند. در "بند جهل" به طنز گفته می‌شود که توابعان حتی تعداد سرهنگها و یا خمیازه‌های زندانیان سیاسی را نیز گزارش می‌کنند. علاوه بر شکنجه‌های معمول، گاه زندانی مشمول تنبیه یا بازجوئی راه بیرون بند (داخل حیاط) می‌برند، تا حد ممکن لختش می‌کنند، سرش را بایتمی پوشانند و با شلاق یا مشت و لگد بچانش می‌افتند. در روزهای بسیار سرد زمستانی بارها دیده شده است که موهای سر و سبیل زندانی را بتراشند و با کمترین لباس مدتی در هوای سرد رهایش کنند. زندانی سینه پهلوی می‌کند. سینه پهلوی سبب چرک ریه‌های می‌شود و چون از پزشک و دارو، بویژه برای زندانیان "بند جهل" خبری نیست کار به سل و یا پروتشت مزمن می‌انجامد.

زندانیان تبریز "بند جهل" را از زندانیان دستچین شده پر ساخته‌اند تا با انواع فشارهای جسمی و روانی وادارشان سازند که از مواضعشان عقب بنشینند و یا به آرمانشان پشت کنند، اما نه تنها به هدف خود دست نیافته‌اند، بلکه هر روز شاهد افزایش موج مقاومت هستند. علیرغم شرایط سخت و طاقتفرسای زندان، مبارزان "بند جهل" - که روز به روز بر تعدادشان افزوده می‌شود - در مقاومت شدید و دفاع از هدفها و آرمانهای انقلابی خود زبانه‌زد شده‌اند.

"سیزدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان" شرکت کنیم. شرکت مشترک مائیتلور رزم مشترک ما علیه ارتجاع سیاه خمینی، علیه جنگ و در راه صلح و آزادی میهن‌مان است.

ما از همه سازمانهای جوانان و دانشجویان و همچنین سازمانهای دمکراتیک، ترقیخواه و صلح دوست ایرانی طلب می‌کنیم تا به فراخوان ما پاسخ مثبت دهند و در راه ایجاد "کمیته ملی ایرانی و تدارک سیزدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان" با ما همگام شوند.

نیاید گذاشت اختلافات سیاسی - عقیدتی مانع شرکت مشترک ما در این گردهمایی پرشکوه باشد. بیایید تادست در دست هم سرود صلح و آزادی و رزم قهرمانانه جوانان میهن‌مان را به گوش جوانان جهان برسانیم. تاریخ این وظیفه خطیر را بر دوش ما گذاشته است و ما در برابر جوانان و دانشجویان میهن‌مان، که در شرایط دشوار ترور و اختناق رژیم جمهوری اسلامی پیکار می‌کنند، مسئولیم.

سازمان جوانان توده ایران

خرده ۱۳۶۶

دروود بر زندانیان توده‌ای و دیگر مبارزان انقلابی دربند!

اعتصاب کارگران کفش ملی، کوتاه اما موفق

یکشنبه دهم خرداد، کارگران کفش ملی در اعتراض به اضافه شدن ساعات کار اعتصاب کردند و دست به تظاهرات زدند. این اعتصاب و تظاهرات موفقیت آمیز موجب عقب نشینی مسئولان کارخانه شد. متن گزارش رسیده به "نامه مردم" چنین است:

روزیکنشبه دهم خرداد، هنگامی که کارگران مشغول کار بودند، بلندگو از طرف مدیریت پخشنامه ای را پخش کرد که چون در مجموع کارگران حدود یک ماه به کارخانه پدکار هستند، از امروز پایستی روزانه دوساعت اضافه کار کنند تا پد می‌شان هموار شود. منظور مدیریت از یک ماه، روزهایی بود که به علت کمبود مواد اولیه، کارخانه به تناوب تعطیل شده بود. متعاقب اعلام پخشنامه عده ای از کارگران دست از کار کشیدند و به قسمت های مختلف کارخانه رفتند تا نظرات جمع را جویا شوند. نظر کارگران عموماً این بود که پخشنامه توطئه ای است برای اضافه شدن ساعات کار و کسی زیر بار آن نخواهد رفت.

ساعت دو بعد از ظهر کارگران دریافتند که از سرویس های رفت و آمد کارخانه خبری نیست و به آنها گفته شده که دو ساعت دیرتر بیایند. کارگران که تصمیم به مقاومت در برابر این تصمیم مدیریت گرفته بودند شروع به اعتراض کردند. زنان کارگر فرزندان خود را از مهد کودک کارخانه تحویل گرفتند و خواستار

نامه حزب

به مجامع بین المللی

کمیته مرکزی حزب توده ایران در نامه هایی به برخی از مجامع و شخصیت های بین المللی توجه آنها را نسبت به وضع زندانیان سیاسی، از جمله هزاران توده ای در بند، در سیاهچالهای جمهوری اسلامی جلب کرد.

در این نامه ها، که به خاویز پارس دکوئبار، دبیر کل سازمان ملل متحد، "عفو بین المللی"، "انجمن حقوقدانان دمکرات"، "سازمان بین المللی روزنامه نگاران" و غیره فرستاده شده است، به موارد مشخص نقش خشونت آمیز حقوق بشر اشاره می گردد. کمیته مرکزی حزب توده ایران از مجامع و شخصیت های بین المللی خواسته است، که با فرستادن هیئتهائی به جمهوری اسلامی به وضع زندانیان و زندانها رسیدگی کنند و بویژه درباره زندانیان مفقود الاثر به تحقیق بپردازند.

رفیق جمشید عسگری زیر شکنجه جان باخت

ارابه مرگ ایستاد. کت بسته و کشان کشان بردندش، چنانکه چنایتکاری را. اما او کسی را نکشته بود. تنها از توده ها سخن رانده بود. از حق و این به اربابان سرمایه گران آمده بود. مردی بود از تبار کار. از تبار روشنائی. گفتند به زانویش در می آوریم. دشنام دادند. به بندش کشیدند. نازیانه اش زدند

و او پوزخندی بر لب داشت، آغشته با کفو خون. چشمهای رابسته بودند تا لرزش دستانشان را تبیین و هراس مرگ را در چشمانشان.

به آتش سیگار سوزاندندش از پا آویختندش. کوبیدندش. له و لورده اش استخوان پایش سیاه شد. وزنش ۲۰ کیلو کم شد. گفتندش فرود آرزوی که ساخته ای. کلید قلب مردم را می خواستند.

هنگام که بازماندگان بیکرله و لورده اش را باز چمجه اش شکسته بود. ستاندند علت را پرسیدند.

گفتند سکنه قلبی کرد. سرش به صندلی خورد و شکست چه می شد گفت؟ چه می شد کرد، جز راندن لبخندی تلخ و زهر آگین بر لب و فروزش آتش انتقام در قلب همانطور که اربابان ستم را می ترسانند.

*

رفیق جمشید عسگری از مسئولان حزب در ملایر بود. هنگام بورش سراسری به حزب دستگیرش کردند و در مهرگان ۶۲ زیر شکنجه جان باخت، در حالیکه از پا آویخته بودندش. این سپید موی شمت و چند ساله توده ای عمری در خدمت مردم بود.

اجازه ندادند مجلس یادبودش را برپا کنند، اما خبر ایستادگی و شهادت قهرمانانه اش در همه جا پیچید، بویژه در ملایر و نهاوند، و خشم همگان را برانگیخت

قهرمانان زنده اند.

قهرمانان همواره زنده اند.

کارخانه ای با ۱۲ هزار نفر کارگر، ایجاد رعب و وحشت کند، اما موفق به این کار نشد. کارگران پیروز کفش ملی نه تنها دچار وحشت نشده اند، بلکه خواستار آزادی همکاران خود هستند.

خبر اعتصاب و تظاهرات، بویژه پس از ابتکار پستن خیابان، در تمام تهران پیچید و موج همبستگی زحمتکشان را برانگیخت.

آمدن سرویس شدند. کارگران مرد شعاری دادند: "خواهرم، خواهرم، حمایت می کنم". زنان کارگر نیز متقابلاً شعاری دادند: "برادرم، برادرم، حمایت می کنم". آنگاه همگی با یکدیگر شعار دادند: "زنجان، همدست ایروانی" (ایروانی مدیرعامل سابق و قدرت اله زنجان مدیرعامل فعلی کفش ملی است). هرچه بر تعداد جمعیت



تظاهرکننده افزوده میشد، شعارها داغ تر می شد. مثلاً کارگران شعاری دادند: "اضافه کاری را کی خورده؟ زنجان شکم کنده!". پلویی پرپاشده بود. شعارها قطع نمی شد. کارگران بطرف گروه معدودی که هنوز دست از کار نکشیده بودند رفتند و شعار دادند: "زنها به ما پیوستند، بی غیرتاً نشستند... رفته رفته حرکت تندتر شد. اعتصاب کنندگان به خیابان ریختند. جلوی اتومبیل ها را می گرفتند و از آنها می خواستند که چراغها را روشن کنند و بوق بزنند. یکی از اتوبوسهای شرکت واحد را متوقف کردند و چند نفری قصد داشتند اتوبوس را به آتش بکشند، اما دیگران مانع این کار شدند. جریان اعتصاب به کارخانه های اطراف تلفنی اطلاع داده شد و همبستگی کارگران را برانگیخت. مدیرعامل (زنجان) که اوضاع را سخت پرآشفته می دید به میان کارگران آمد و با دستپاچگی گفت: "حالا ما یک غلطی کردیم، شما چرا اینطور برخورد می کنید؟ می توانستید آرامتر با این قضیه برخورد کنید". مدیرعامل در مقابل حرکت کارگران ناکزیر از عقب نشینی شد و اعتصاب کارگران پس از چند ساعت با پیروزی پایان یافت.

پس از پایان یافتن تظاهرات و اعتصاب، حدود ۶۰ نفر از کارگران کفش ملی دستگیر شدند. رژیم کوشید تا با دستگیری کارگران مبارز در محیط

جاوید باد خاطره تابناک شهیدان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح!



در اتحاد شوروی چه می گذرد؟ (۳)

مالکیت سوسیالیستی بر وسائل تولید بر ضرورت اداره تولید اجتماعی برنامه ریزی شده تاکید دارد و دستیابی به این هدف بدون سانترالیزم عملی نیست. بر این اساس چنین نتیجه گرفته می شد که سانترالیزم بیشتر یعنی تولید اجتماعی برنامه ریزی شده و بهره گیری بیشتر از برتری مالکیت سوسیالیستی. اما تجربه نشان داد که چنین برخوردی در آخرین تحلیل همه چیز را تابع تصمیم گیری از بالای می کند.

اکنون برای تصحیح این ارزیابی بر تأمین استقلال مؤسسات صنعتی و غیره تاکید می شود. اما مسئله استقلال هدف نهائی نیست. وظیفه عده بالا بردن حداکثر شربخشی مدیریت اقتصاد سوسیالیستی است. راه اجرای این وظیفه دمکراتیزه کردن مرکزیت است. بدین سخن بحث بر سر پیدا کردن راه تلفیق منطقی و عقلانی سانترالیزم و استقلال مؤسسات صنعتی و غیره است. هنر مدیریت نه در تصمیم گیری از بالا، بلکه در تقسیم منطقی حقوق و مسئولیت ها بر حسب قابلیت هر یک از حلقه های زنجیره مدیریت است. هدف از اصلاحاتی که هم اکنون در اتحاد شوروی در جریان است، پیدا کردن بهترین و سهلترین راه در زمینه افزایش شربخشی مدیریت اقتصاد است.

چنانکه می بینیم گسترش و تحکیم دمکراسی سوسیالیستی در همه عرصه های زندگی جامعه شوروی پیش می خورد. کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی تاکید کرد که برای تحکیم هر چه بیشتر نظم و قانون و از بین بردن زمینه های هر گونه بی قانونی باید به بهسازی قوانین ادامه داد. نظام قانونگذاری - مدنی، کار، مالی، اقتصادی، اداری، جزائی - اتحاد شوروی باید بر نظارت مؤثرتر بر کار و مصرف و تعمیق عدالت اجتماعی استوار باشد.

حزب کمونیست اتحاد شوروی سازمانده و رهبری کننده کلیه تحولاتی است که اکنون در جامعه شوروی روی می دهد. در پلنوم آوریل سال ۱۹۸۵ بود که کمیته مرکزی حزب آشکارا اعلام کرد که دیگر نمی توان از مسائل حاد جامعه طفره رفت و با کمبودها و نارسانائی ها و سستی ها و عدم تحرکها ساخت. پلنوم آوریل ۸۵ نقش برجسته و مهمی در این زمینه ایفا کرد و کنگره بیست و هفتم و هفتم شیوه نوین کار و افزایش نقش و مسئولیت سازمانهای حزبی را مورد تصویب قرار داد.

در گزارش سیاسی رفیق کار با جف به کنگره بیست و هفتم خاطر نشان شد که قدرت حزب در درک زمان و لمس نبض زندگی و کار مداوم در میان مردم نهفته است. در هر مرحله ای که کشور با مسائل جدیدی روبرو می شود، این حزب است که راه حل آنها را می یابد، روش های رهبری را بازسازی و تنظیم می کند و از این راه توان خود را در انطباق با وظیفه تاریخی خویش در قبال سر نوشت کشور و آرمان سوسیالیسم و کمونیسم نشان می دهد.

ما ناظر آنیم که حزب کمونیست اتحاد شوروی با ارزیابی نقادانه از گذشته، با دید روشن از وظایف عظیم آینده و احساس مسئولیت، در راه تحقق تصمیمات کنگره بیست و هفتم تلاش می ورزد. پلنوم ژانویه ۱۹۸۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی و تدابیر اتخاذ شده در آن در زمینه مسئله کادرها، نمونه بارزی از درک این حس مسئولیت است. حزب کمونیست اتحاد شوروی به آموزش مسئولان از تجربه های گذشته در بازسازی ساختار کار حزبی اهمیت فوق العاده ای می دهد. تشدید تلاش همه کمونیست ها، حداکثر مراعات دمکراسی در حزب، کاربرد اصل رهبری جمعی در همه سطوح، بهره گیری همه جانبه از انتقاد و انتقاد از خود و نظارت بر اجرای تصمیمات از جمله مسائل حاد مورد نظر در زندگی حزبی است.

حزب مبارزه بی امان با افرادی که نسبت به منافع جامعه بی تفاوتند، با خرده بوروکراتها و رشوه خواران را در صدر برنامه سازمانهای خود قرار داده است. کمونیست ها در این مبارزه نقش حساسی به عهده دارند و بهمین سبب به پاکیزگی درون حزبی اهمیت ویژه ای داده می شود. سلب مسئولیت حزبی و کنار گذاشتن شماری از مسئولین بالا که به علت سوء استفاده های گوناگون از مقام حزبی و ارتکاب اعمال ناشایست زبانه های زیادی به جامعه وارد آورده بودند، نمونه بارزی از برخورد قاطع حزب کمونیست اتحاد شوروی با هر گونه نقض اصول بشمار می رود. این قاطعیت به معنی آن است که در حزب هیچ سازمانی از حاد نظارت و انتقاد خارج نبوده و همه رهبران در

برابر حزب پاسخگو و مسئول بوده اند و هستند.

حزب کمونیست اتحاد شوروی به انتقاد و انتقاد از خود، به تصمیم گیری پیرامون مسائل پیچیده، به جلوگیری از بزرگ جلوه دادن موفقیت ها که مانع ارزیابی صحیح و اصولی از کمبودهای جدی می شود، اهمیت فوق العاده ای می دهد.

مسئولیت در برابر حزب هم درباره کمیته های حزبی و هم وزارتخانه ها، ادارات و مؤسسه های گوناگون صادق است. کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بر آن است که نقش کمیته های حزبی و وزارتخانه ها و ادارات و نهادها باید همیزان قابل توجهی افزایش یابد. در عین حال حزب مخالف اختلاط عمل کرد کمیته های حزبی و نهادهای دولتی است.

افزایش ابتکار و مسئولیت کادرها اهمیت زیادی در مبارزه برای پاکی و سلامت اعضای حزب دارد. بهمین سبب کمیته مرکزی در رشد صفوف حزب به مسئله بس مهم کیفیت توجه دارد و معتقد است که درهای حزب باید بروی افراد غیر متعهد و کسانی که برای رسیدن به مقام و ارضای گرایشهای ناسالم به حزب روی می آورند، بسته شود.

در کنگره بیست و هفتم تاکید شد که باید به بهبود پرورش ایدئولوژیک کمونیست ها مانند همیشه اهمیت داد و در مراعات و وظایف ناشی از اساسنامه حزب و علیه نقض انضباط حزبی قاطعانه عمل کرد. کمونیست ها در سازمان حزبی باید اصل صراحت متقابل برای رویارویی با هر نوع بی توجهی به معیارهای حزبی و لایه لایگی از جانب هر کسی را فراهم کنند.

حزب خط مشی تلفیق کادری با تجربه و جوان برای رهبری جامعه را ادامه می دهد. زنان بیشتری به رهبری در حزب و دولت جلب می شوند. در بر گاریها - مناسب با دگرگونیهای سیاسی - کارآئی و برخورد افراد با مردم مورد نظر قرار می گیرد.

حزب کمونیست اتحاد شوروی فضای مناسب برای دانشمندان، فیلسوفان، جامعه شناسان، نویسندگان و هنرمندان بوجود آورده و خواهان رشد آزاد و خلاق تئوری و پیماده کردن آن در عرصه عمل است. حزب همواره از دستاوردهای تکامل علوم اجتماعی و اقتصادی برای دگرگون سازی بهره گیری می کند.

کمیته مرکزی اهمیت زیادی برای نقش رسانه های گروهی قائل است و از آنها می طلبد که مروج ارزش های اخلاقی و فرهنگی، مبتکر بروز خلاقیتها و مبشر نظرگاه کلی حزب باشند و نقش مؤثر خود را در اجرای سیاست "علنییت" قاطعانه ایفا کنند.

کوتاه سخن، ایجاد تغییرات ساختاری در صنایع به قصد بهره گیری از کاربرد وسیع کامپیوترها و سیستم های انفورماتیک و بکارگیری روشهای صرفه جویانه برای استفاده از انرژی و سیستم پیشرفته الکترونیک، دگرگونی در زیر بنای تولید، افزایش تولید محصولات کشاورزی برای پاسخگویی به نیازهای غذایی روزافزون مردم، گسترش خدمات، تجدید نظر بنیادی در مدیریت اقتصادی و دمکراتیزه کردن آن، تجدید سازمان کار نهادهای مرکزی اقتصاد و برنامه ریزی، افزایش کارآئی نظام مالی، ارتقا کارآئی نهادهای مرکزی اقتصاد، تقویت نقش مرکزیت در عین گسترش حدود استقلال سازمانها و مؤسسات، حساسی اقتصادی، گرایش به تخصص و همکاری در تولید، فعال کردن مراکز پژوهشی و تأمین پیوند نزدیک آنها با تولید، گسترش و تحکیم دمکراسی و تأمین اصل سوسیالیستی خودگردانی مردم در کلیه عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که حزب کمونیست اتحاد شوروی در پیش گرفته است، تدابیر واقعاً انقلابی و ضرور در مرحله کنونی رشد سوسیالیسم است.

برخلاف ادعای مبلغان بورژوائی هیچکدام از این تدابیر مغایر با

اصول و قانونمندیهای سوسیالیسم نبوده و نیست، بلکه درست برعکس هدف، تحکیم پایه‌های سوسیالیسم از طریق بهره‌گیری از توان بالقوه آن است.

رفیق گارباچف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی در پاسخ به کسانی که استراتژی دگرگونسازی اجتماعی - اقتصادی را "عدول از سوسیالیسم" معرفی می‌کنند، بدستی خاطر نشان ساخت که هدف واقعی دگرگونسازی نه دوری از سوسیالیسم، بلکه گسترش بیشتر سوسیالیسم، نه دوری از دمکراسی، بلکه دمکراسی بیشتر، نه دوری از معنویات سوسیالیستی، بلکه دستیابی بیشتر به معنویات سوسیالیستی است.

دستاوردهای حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی هم اکنون در این کشور ملموس است. در فراخوان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی خطاب به خلق شوروی گفته می‌شود: "کشور به حرکت درآمد و نفس تازه کرد. فضای اخلاقی سالمتری بر جامعه حاکم شد. زندگی معنوی چالپ‌تر و متنوع‌تر شده است. صراحت و صداقت، انتقاد و سختگیری به مثابه بخش جدائی‌ناپذیر زندگی روزمره تحکیم می‌شود.

استراتژی و تاکتیک بازسازی ژرف اقتصاد ملی در زندگی پیگیرانه تحقق می‌پذیرد. مدیریت مهمترین شاخه‌های اقتصاد تجدید سازمان می‌یابد. اهرم‌های مکانیسم نوین اقتصادی وارد عمل می‌گردد. تعداد کلکتیوهای کار که با اطمینان، امر افزایش کارآئی و مقرون بصره بودن را سامان می‌بخشد، رشد می‌کند. تولید از نظر فنی در حال تجدید تجهیز است. تدابیری به منظور بهبود ریشه‌ای کیفیت محصولات تحقق می‌پذیرد. در نخستین سال برنامه پنجساله، اقتصاد ملی، از نظر شاخص‌های اصلی، از مرزهای برنامه‌ریزی گذشته است.

اما نباید فریفته این دستاوردها شد. تنها نخستین گامها برداشته شده است. کار اصلی هنوز در پیش است."

سیاست خارجی و هدفهای آن

صلح و سوسیالیسم جدائی‌ناپذیرند. کنگره بیست و هفتم و برنامه صلح و تأمین امنیت جهانی مصوب آن بار دیگر این حقیقت را به جهانیان نشان داد. برخورد حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی با مسائل بین‌المللی توأم با برزش و ملهم از توانمندی سیاسی است.

استراتژی تسریع رشد اجتماعی - اقتصادی، به معنای نوسازی کیفی همه عرصه‌های زندگی جامعه شوروی، تنها دارای اهمیت داخلی نیست. باتوجه به وزن سترگ اتحاد شوروی در عرصه بین‌المللی دگرگونیهای این کشور در پیشرفت جهانی مؤثر است. بدینسان بار دیگر اصل لنینی پیوند سیاست داخلی و خارجی و اینکه سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است به اثبات می‌رسد. سیاست خارجی اتحاد شوروی در سالهای اخیر نمونه بارز این واقعیت است.

مشى بهره‌گیری حداکثر از نیروی بالقوه سوسیالیسم برای تأمین رفاه همه جانبه خلق در پیوند با فعالتر شدن سیاست خارجی است. اتحاد شوروی ضرورت صلح از جمله برای تمرکز نیرو در جهت تسریع رشد اجتماعی - اقتصادی را پنهان نمی‌کند. در عین حال صلح و امنیت برای حل معضلات دیگر خلقهای جهان را نیز ضروری می‌داند. می‌توان گفت: عوامل داخلی و خارجی رشد و پیشرفت اجتماعی در دوران معاصر به اندازه‌ای باهم در آمیخته‌اند که نمی‌توان آنها را از هم جدا کرد.

هم سیاست داخلی و هم سیاست خارجی اتحاد شوروی متوجه تأمین منافع خلق‌هاست. جهان‌بینی مارکسیستی - لنینیستی انسان و منافع و سرشوندن آن را در مرکز رشد تاریخی قرار می‌دهد. پیشرفت اجتماعی زمانی امکان‌پذیر است که تمدن بشری وجود داشته باشد. در عصر انباشته شدن سلاحهای هسته‌ای و خطر عظیم ناشی از آن، امر حفظ صلح و امنیت خلق‌ها بر چسته‌تر می‌شود.

در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به کنگره بیست و هفتم، نظر اساسی اتحاد شوروی درباره مناسبات بین‌المللی در

مرحله کنونی رشد آن دقیقاً فرموله شده است. هسته مرکزی این نظر را درک جهان به مثابه یک کل واحد و غرنج و دارای وجوه متضادی که باید یکدیگر پیوند متقابل و وابستگی متقابل دارند تشکیل می‌دهد. در این نظر اساسی، تدویم سیاست خارجی دولت شوروی با خصلت نوآورانه آن بطرز جدائی‌ناپذیری پیوند می‌خورد. این پیوند زائیده تجربه درازمدت در مبارزه در راه ایجاد سیستم فراگیر امنیت بین‌المللی است و از تحلیل خلایق مجموعه مسائل نظامی، سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیک و بشردوستانه برآمده از شرایط مشخص رشد مناسبات بین‌المللی معاصر نشأت می‌گیرد.

در گزارش سیاسی خاطر نشان می‌شود که جهان در جریان دگرگونیهای پرشتاب است و هیچکس را یارای از حرکت بازداشتن گردونه آن نبوده و نیست. در جهان دولتهای متعددی عمل می‌کنند که دارای منافع جداگانه‌ای هستند. همه این دولتها وظیفه دارند که مناسبات بین‌المللی را بر پایه احساس مسئولیت و دوراندیشی در قبال امنیت جهان استوار سازند. باید در راه ایجاد سیستم امنیت بین‌المللی کوشید. باید درک کرد که در مسابقه تسلیحاتی و جنگ هسته‌ای امکان پیروزی وجود ندارد. تلاش در برتری نظامی نمی‌تواند هیچ سودی به بار آورد. بنابراین شرایط عینی چنان شکل گرفته که در محدوده آن، رویارویی میان سرمایه‌داری و سوسیالیسم تنها از طریق رقابت و مسابقه مسالمت‌آمیز می‌تواند ادامه یابد.

کنگره بیست و هفتم تأکید کرد که اتحاد شوروی قصد دنبال کردن سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز با دولتهای دارای نظامهای اجتماعی گوناگون را ندارد. این بگانه آلترناتیو در شرایط خطر جنگ هسته‌ای است.

ناگفته پیداست که دفاع پیگیر از صلح و اصل همزیستی مسالمت‌آمیز بهیچ وجه به معنی نفی مبارزه در راه پیشرفت اجتماعی نبوده و نیست. در جهان تغییراتی روی داده و خواهد داد. مبارزه خلقها در راه آزادی ملی و اجتماعی ادامه خواهد یافت. هیچ نیروی را یارای آن نخواهد بود تا مردم این کشورها را مجبور کند که به سلطه امپریالیسم دست نشاندهگان آن گردن نهند.

حزب کمونیست اتحاد شوروی، اروپا را از مراکز اصلی فعالیت بین‌المللی خود می‌داند و در راه ایجاد امنیت قابل اعتماد بر اساس کاهش مستمر سلاحهای هسته‌ای و عادی در این قاره گام بر می‌دارد. اتحاد شوروی امنیتی بیش از دیگران نمی‌خواهد، اما کمتر از دیگران را نیز نخواهد پذیرفت.

اهمیت آسیا و منطقه اقیانوس آرام غیر قابل انکار است. اتحاد شوروی بر آن است که اختلافهای موجود در این قاره باید از طریق سیاسی حل و فصل گردد. چنین اقدامی از آن لحاظ اهمیت دارد که کانونهای شعله‌ور جنگ و برخورد های نظامی در آسیا و دیگر قاره‌ها رو به خاموشی نمی‌روند. اتحاد شوروی خواهان تلاشهای جمعی برای پایان بخشیدن به برخوردهای نظامی در خاورمیانه، آمریکای مرکزی، جنوب آفریقا و... است.

اتحاد شوروی تروریسم بین‌المللی را که به اشکال گوناگون، از جنگ‌های اعلام نشده و صدور ضدانقلاب گرفته تا قتل‌های سیاسی، گروگان‌گیری، هواپیماربابی و غیره، در جهان روی می‌دهد و سازمان دهندگان آن می‌کوشند تا سرپوش جعلی بر جنایتهای خود بگذارند، شدیداً محکوم می‌کند و آمادگی اش را برای ریشه‌کن کردن آن در همکاری نزدیک با دیگر دولتها اعلام دارد.

کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی مسائل تئوریک مهمی درباره روند قانونمند رشد جهان معاصر و نیز تکامل جامعه سوسیالیستی ارائه داشت که هر یک به نوبه خود اهمیت زیادی در گسترش و شمر بخشی مبارزه عملی خلقها در راه پیشرفت اجتماعی دارد.

مثلاً، کنگره بیست و هفتم مقوله "سرمایه انحصاری فراملیتی" و جهات عمده و شیوه‌های رسوخ آن را بررسی کرد و نشان داد که چگونه رشته‌های تولید را در کشورهای جداگانه و نیز در اقتصاد جهان سرمایه‌داری به انحصار خود درمی‌آورد.

مسئله خصلت جهان معاصر و وحدت دیالکتیکی دو بخش آن - سوسیالیستی و سرمایه‌داری - از دیدگاه کنگره دارای اهمیت زیادی است. در

حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی نیرومندترین و

صادق‌ترین پشتیبانان جنبش انقلابی همه خلقهای جهانند!

کارگران و ...

می گذرد به

اشکال گوناگون طعم تلخ ادامه جنگ را چشیده اند و اثرات شوم آن را از نزدیک در زندگی روزمره خود لمس کرده اند. در آغاز جنگ، دربی تجاوز و اشغال بخش وسیعی از خاک میهنمان، سنگین ترین پیامدهای این وضع پویزه در استان خوزستان متوجه کارگران گردید. غشغشه شلیک و بمباران، مرگ و نیستی، ویرانی خانه و کاشانه، آوارگی و در بدری، توقف چرخ تولید کارخانه ها، بیکاری و فقر و گرسنگی و انواع دیگر محرومیت های چنانکه را برای کارگران پیشکش آوردند.

در شرایط کنونی، پایه های گسترش ارتش بیکاران و نبودن هرگونه امنیت شغلی، رژیم با قرارداد کارگران بر سردوراهی انتخاب اخراج یا "اعزام به جبهه"، بیش از پیش کارگران و فرزندان آنها را به جبهه های بدون بازگشت جنگ می کشاند. هم زوند با اعزام اجپازی، دوشیدن و اخاذی نقدی و چنسی از کارگران علیرغم اعتراضهای مکرر آنها، به اشکال گوناگون، از جمله کسر درصدی از حقوق یا دستمزد ادامه دارد.

چنگ نه تنها هر روز قربانی های تازه ای از کارگران می گیرد، انبوهی از آنان را بصورت مجروح و معلول یک عمر خانه نشین می کند و پر شدت غارت از دسترنج آنها می افزاید، بلکه مشکلات کارگران را حادثر و حادثر می سازد.

بیکاری و نبود هرگونه امنیت شغلی یکی از مهمترین مشکلات کارگران است. کاهش قیمت و میزان صدور نفت و تنزل ارزش دلار به عنوان عوامل تشدیدکننده بحران ارزی و ورشکستگی مالی رژیم که زاییده ادامه جنگ هستند، موجب رکود بیسابقه تولید و به حالت تعطیل یا نیمه تعطیل درآمدن کارخانجات و صنایع وابسته و اخراج فردی و جمعی کارگران شده است. هم اکنون در سطح کشور بیش از ۵ میلیون نفر بیکار آشکار و پنهان وجود دارد. همچنین بیش بینی شده است که در پایان سال ۶۶ بخاطر کمبود مواد اولیه، قطعات یدکی و نیم ساخته، ۷۵۰ هزار نفر دیگر به توده انبوه بیکاران خواهند پیوست.

برهیچ کس پوشیده نیست که بیکاری اثرات ویرانگری پرزندی کارگران که نیروی کاریکانه سرمایه آنهاست، برچای می گذارد. در جوامع سرمایه داری همانند جامعه ایران، بیکاری عامل گسترش روزافزون فساد، فحشاء، دزدی، پزهکاری، چنایت، خودکشی، و ازهم پاشیدگی کانون خانواده است. بخصوص اینکه در حال حاضر اساساً هیچ قانونی از کارگران اخراجی و بیکار حمایت نمی کند. در این زمینه به نقل گفته دو تن از نمایندگان مجلس می توان پسند کرد. نماینده ای می گوید:

"امروز اگر کارگری با ده سرعائله از کارخانه اخراج شود، حرفش به

هیچ چا نمی رسد... من با کمال تأسف باید بگویم هنوز هم مقررات و ضوابط به نفع پولدارهاست" (کیهان ۲۷/۲/۶۴).

یا نماینده دیگری به "وزارت کار و صنایع، خصوصاً قوه قضائیه" تذکر داد:

"... کارگران کارخانه نوین شهرضا، با گذشت ۱۵ ماه، هنوز سرگردانند... من از این سهل انگاریها و مسامحه کاریها تعجب می کنم!... با همه مسئولین این مملکت موضوع را در میان گذاشته ام و ... بعد به پوته فراموشی سپرده شده... " (اطلاعات ۱۰/۲/۶۵).

وجود توده انبوه بیکاران که آماده اند برای سیرکردن شکم خود و خانواده شان تن به هرکاری بدهند سبب تشدید آهنگ کار و پالافتن نرخ بهره کشی و کاهش روزافزون ارزش نیروی کار و دستمزدهای واقعی شده است. از سوی دیگر، در سالهای اخیر بخاطر "تنگناهای مالی" و اختصاص پیش از یک سوم بودجه به جنگ توسط رژیم، حقوق و دستمزد کارگران یا ثابت نگهداشته شده و یا میزان افزایش آنها به هیچ وجه با سیر صعودی قیمتها و نرخ سرسام آور تورم همخوانی ندارد. در شرایط کنونی، حقوق و دستمزد اندک کارگران به گردپای افزایش قیمتها هم نمی رسد. با این وجود اگر رژیم بمنظور تخفیف بحران مالی می خواهد "سیاست صرفه جویی" را درپیش گیرد، بلافاصله تلاش می ورزد بار سنگین آن را بازم بردوش طبقه کارگر بگذارد. سخنان معاون طرح و برنامه وزارت کار، به عنوان شاهد مثال، پازتاب این واقعیت است:

"... وابستگی کارخانجات... اتخاذ سیاست صرفه جویی در سطح کارخانجات را به عنوان مقابله با وضع موجود ضروری می سازد. از جمله این صرفه جوییها احتمالاً حذف مزایای چنپی مزد و ایجاد محدودیت در پرداخت ها می باشد که این امر بالطبع کاهش درآمد کارگران و قدرت خرید آنها را دربی خواهد داشت" (کیهان ۵/۱۴/۶۵).

یکی از دیگر مشکلات مهم کارگران، مشکل مسکن است. گذشته از بخش چشمگیری از مهاجرین چنگی یعنی کارگران و خانواده های آنها، که هنوز در سخت ترین شرایط، یا در اردوگاههای چادری و یا در کپرها، آلونک ها و دخمه های تنگ و تاریک با تحمل انواع تحقیرها، توهین ها و تبعیض ها زندگی می کنند، اکثریت کارگران از داشتن مسکن محرومند. به اعتراف مقامهای مسئول ج.ا. دوسوم کارگران ایران فاقد مسکن شخصی هستند و گاه تا ۷۰ درصد درآمد ناچیز خود را به عنوان کرایه خانه می پردازند. بد نیست به سیاست دولت در برخورد به مشکل مسکن کارگران اشاره کنیم.

سخنان و موضعگیریهای دست اندرکاران رژیم، در واقع ماهیت سیاست و عملکرد دولت در این زمینه را بخوبی افشا می کند. رئیس کمیسیون مسکن و شهرسازی و راه و ترابری مجلس اعلام می دارد:

آتش تبلیغات کمونیسم ستیزی قرار دارند. بسیاری از این احزاب در شرایط خفقان و بیکرد کامل به فعالیت پنهانی ادامه می دهند.

جنبش کمونیستی در سالهای اخیر با واقعیت ها و وظایف و مسائل زیادی روبرو شده و به مرحله کیفیتاً جدیدی از تکامل خود کام نهاده است. تنوع جنبش کمونیستی در جهان و هدفهایی که هر یک از احزاب برادر در برابر خود دارند نیز واقعیتی است. حزب کمونیست اتحاد شوروی درباره "عدم تقاهم در برخی موارد میان این یا آن حزب برادر درون نهضت جهانی کمونیستی و کارگری مبالغه نمی کند و آن را معادل نفاق نمی داند. جنبش کمونیستی می تواند و باید از طریق همبستگی طبقاتی و همکاری برابری حقوق همه احزاب برادر در مبارزه برای هدفهای مشترک پیش رود.

انقلابهای رهائی بخش ملی یکی دیگر از نیروهای محرکه پیشرفت اجتماعی بشمار می رود. اتحاد شوروی در راه پیشگیری از جنگ می رزمد و معتقد است که این مبارزه باید تحت هر شرایطی به پیروزی بینجامد. این پیروزی دوران ساز از آن بشریت در مجموع خود و فرد - فرد انسانها در روی زمین است. بهمین سبب نیز همه باید در راه دستیابی به صلح و امنیت جهانی نبرد کنند.

پایان

* ترجمه فارسی سخنرانی رفیق کارباچف در پلنوم ژانویه منتشر شده

است.

بقیه از صفحه ۵۰۰

حال حاضر می توان گفت که محک اساسی این وحدت و ارتباط متقابل بیشتر در عرصه نظامی سیاسی تبلور می یابد. در حال حاضر که تمدن بشری بر سر دوراهی هستی و نیستی قرار دارد، پاسداری از ارزشهای عمومی بشری از اولویت خاصی برخوردار است.

مسئله تأمین امنیت اقتصادی بین المللی به معنی رفع و از بین بردن هر گونه تبعیض، تحریم و دیگر اشکال سیاست امپریالیستی و نواستعماری که همراه با خلع سلاح بی ستون امنیت بین المللی را تشکیل می دهد، یکی دیگر از مسائل مرتبط با مسئله وحدت جهان است.

حزب کمونیست اتحاد شوروی نیروهای محرکه پیشرفت اجتماعی را نیز مورد بررسی علمی قرار داد. سخن قبل از هر چیز بر سر پیشرفت اجتماعی است که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر آن را بنیان گذارد.

در گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره بیست و هفتم بدرستی گفته می شود که سرنوشت صلح و پیشرفت اجتماعی اکنون تنگاتنگ تر از همیشه با خصلت متحول رشد اجتماعی - اقتصادی و سیاسی سیستم جهانی سوسیالیسم پیوند دارد.

پیشرفت اجتماعی با رشد نهضت کمونیستی و کارگری جهانی و با گسترش نهضت های توده ای دمکراتیک معاصر پیوند جدائی ناپذیر دارد.

در اسناد کنگره بیست و هفتم گفته می شود که همه احزاب برادر رژیم

نامه‌های دربارهٔ اعتصاب کامیونداران

توسط سندیکا داده می‌شود، در حالی که مصرف لاستیک اتوبوس سالانه ۱۰ حلقه یعنی ۵ جفت است. بنابراین چاره‌ای نیست جز این که لاستیک را به قیمت جفتی ۲۲ هزار تومان از "بازار آزاد" بخریم. از بالا به سندیکا می‌گویید نمی‌توانیم بیش از این یک جفت لاستیک بدهیم. سندیکام به ما می‌گوید نداریم.

اتوبوسدار دیگری می‌گوید:

لوازم موتوری به هیچ وجه از طرف سندیکا داده نمی‌شود. یکدست و اثر کامل را مجبوریم به ۴۵۰۰۰ تومان بخریم.

وی می‌گوید:

دور دور کسانی است که چند دستگاه ماشین دارند. آنها سبیل مسئولان مربوطه را چرب می‌کنند و خواسته‌هایشان برآورده می‌شود.

اتوبوسدار قزوینی که از بردن سربازان و نسجی‌ها به جبهه بدت ناراضی است می‌گوید: هر چند وقت یکبار مجبوریم که به جبهه برویم، در غیر اینصورت اسباب زحمت آدم می‌شوند و نمی‌گذارد آب خوش از گلویمان پائین برود. یکبار که به جبهه می‌رفتم یکی از هواپیماهای عراقی حمله کرد و بمب نزدیک اتوبوس افتاد بطوری که شیشه‌های طرف چپ اتوبوس تماماً شکست. خرید شیشه را قبول نکردند. من خودم مجبور شدم که از جیبم بدم.

وی ادامه می‌دهد:

اخیراً سپاه پاسداران قزوین به سندیکا گفته است که از این پس توزیع لاستیک از طریق سپاه انجام خواهد شد و لاستیک تنها به کسانی داده می‌شود که مطابق با برنامه‌های داده شده به جبهه بروند. در غیر اینصورت لاستیک به لاستیک.

افزایش نرخ گازوئیل از لیتری ۲/۵ ریال به ۴ ریال و نرخ روغن موتور از لیتری ۲۰ ریال به ۷۰ ریال و نیز تصمیم دولت بر بالابردن قیمت لاستیک کامیون از جفتی ۵۵۰۰۰ ریال به ۱۰۲۰۰۰ ریال، به اعتصاب فراگیر کامیونداران انجامید.

از پانزدهم فروردین ابتدا کامیونداران تهران و تبریز و سپس کامیونداران اصفهان، یزد، سیرجان، شیراز، مرودشت و اکثر شهرها اعتصاب کردند و با تجمع در ترمینالها و هنگامهای باربری شهرهای خود از بارگیری خودداری ورزیدند.

کامیونداران اصفهان با نوشتن نامه‌های اعتراض آمیز به وزارت راه و ترابری خواهان افزایش نرخ کرایه شدند. یکی دیگر از موارد اعتراض کامیونداران و ادار ساختن آنان به بارگیری برای جبهه بود.

در شهرهای مختلف کشور سپاه وارد عمل شد و با تهدید از کامیونداران خواست که بارگیری کنند. عوامل رژیم می‌گفتند که شما کامیونداران لیاقت داشتن کامیون ندارید. کاری نکنید که ما خودمان کامیون‌ها را بار بزنیم. تهدیدها سبب شد که گروهی کوچک از کامیونداران تصمیم بگیرند که بارگیری کنند، اما مقابل «آگاهانه» بقیه کامیونداران، آنها را از تصمیم خود منصرف کرد و اعتصاب تا ۲۷ فروردین ادامه یافت. دولت پذیرفت نرخ روغن را به لیتری ۳۰ ریال و نرخ لاستیک را به جفتی ۷۲۰۰۰ ریال کاهش دهد و در راستای افزایش ۴۰ درصد به قیمت کرایه اقدام کند.

علاوه بر کامیونداران، دارندگان اتوبوس نیز به افزایش نرخ لاستیک و گازوئیل معترضند. یکی از اتوبوس داران قزوین می‌گوید: لاستیک به نرخ دولتی هر شش ماه یک جفت

"سرمایه‌گذاری دولت در مسئله مسکن با توجه به اینکه مسالهٔ جنگ را داریم و مقدار زیادی از درآمدهای خودمان را باید به جنگ اختصاص بدهیم... اساساً منتفی است و امکان سرمایه‌گذاری در این امر برای دولت وجود ندارد" (کیهان ۹۴/۵/۱۲).

ویا یکی از اعضای شورای مرکزی خانه کارگر، طی گفتگویی پیرامون نگرش حاکم بر وزارت مسکن در ارتباط با مشکل مسکن کارگران می‌گوید:

"به مسکن که اصلاً نباید اندیشه کرد. چون بعضی دستورالعمل‌های وزارت مسکن می‌گویند کارگر باید مستاجر باشد و مستاجر آفریده شده و مستاجر هم باید از دنیا برود".

عدم هرگونه پشتیبانی موثر از تعاونی‌های مسکن کارگری و واگذار نکردن زمین و کمکه‌های پانکی به آنها در چارچوب همین سیاست دولت می‌گذند.

وضع فاجعه‌بار بهداشت و درمان و بیمه‌های اجتماعی کارگران نیز از زمرهٔ مهمترین مشکلات آنها بحساب می‌آید. در شرایط ادامهٔ جنگ و اختصاص بخش مهمی از امکانات و بودجهٔ محدود درمان و بهداشت به امر جنگ، طبیعتاً دست اکثریت کارگران و دیگر زحمتکشان از خدمات درمانی کوتاه می‌گردد. در حال حاضر، حق بیمه ۷ درصد از حقوق ناچیز کارگران محروم را می‌بلعد ولی از درمان و خدمات تأمین اجتماعی خیری نیست. بی‌دلیل نیست که از جمله "اعضای شوراها و انجمنهای اسلامی کارگران کارخانجات اصفهان" در رابطه با وضع ناپسندانگیز درمان کارگران طومار جمع می‌کنند و می‌نویسند:

"مسئلهٔ درمان کارگران به مرحلهٔ فاجعه آمیزی رسیده و کارگران عمدتاً از این وضع ناپسندانگیز ناراحت بوده و به تنگ آمده‌اند... (نسبت به گذشته) وضع درمان به مراتب وخیم تر گشته و علی‌رغم هزینه سنگینی که کارگران جهت درمان پرداخت می‌کنند از یک امکانات ناچیز درمانی برخوردارند و هر زمان که اعتراض می‌شود فوراً توسط مسئولین ذیربط نارسایی‌ها و کمبودها عنوان می‌گردد. سؤال این است آه آیا باید کمبودها فقط به دوش کارگران باشد؟ آیا این کمبودها در بخش خصوصی هم وجود دارد؟" (ج. ۱۰۱، ۶۰، ۶۵).

افزون بر اینها، در شرایط ادامهٔ جنگ و به پنهان آن رژیم در حالی که آزادی بی‌حد و حسابی برای فعالیت متشکل سرمایه‌داران و غارتگران اجتماعی زیرانگام و پوشش‌های اسلامی و غیراسلامی فراهم ساخته، کارگران را از حق هرگونه تشکل صنفی و سیاسی محروم کرده است، درحالی که هرروز عقب نشینی‌های تازه به تازه‌ای در برابر سرمایه‌صورت می‌گیرد و قوانین جدیدی پسند سرمایه‌داران از مجلس و "شورای نگهبان" می‌گذرد، کارگران از ابتدایی‌ترین حقوق فردی و اجتماعی محروم نگه داشته شده‌اند. هنوز پس از گذشت بیش از ۸ سال از پیروزی انقلاب کارگران از داشتن قانون کار و

"جوانان توده" در کنفرانس بین‌المللی "جوانان - سده ۲۱ و رسالت ما"

به دستید، که مسئولیت دارید، تا بشریت با دستاوردهای نو در گستره‌های مادی، معنوی و اجتماعی به سده بیست و یکم پای گذارد.

نمایندهٔ سازمان جوانان توده ایران از جمله شرکت کنندگان این گردهمایی بود. وی در سخنرانی خود در کمیسیون "صلح: بنیادی‌ترین حق بشر" به جنگ خائنانهٔ ایران و عراق و بی‌آمدهای مخرب آن برای زندگی جوانان کشور ما و خطرات این جنگ برای صلح جهانی پرداخت.

نمایندهٔ "جوانان توده" همچنین در بخش‌های "حقوق زنان" و "حق کار و تحصیل برای جوانان" سخنرانی کرد.

به دعوت "اتحادیه کمونیستی جوانان بلغارستان" در روزهای ۲۱-۲۹ ماه مه کنفرانس بین‌المللی "جوانان، سده ۲۱ و رسالت ما" با حضور نمایندگان ۱۱۴ سازمان ملی و منطقه‌ای از کشورهای مختلف جهان در صوفیه برگزار شد.

رفیق تودور ژبوف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان، در پیامی به شرکت کنندگان در این کنفرانس بین‌المللی، از جمله، گفت:

"حفظ تمدن بشری و حل مسایل جهان ما از همگان می‌طلبد، تا هنر زیستن در صلح را بیاموزند. شما می‌توانید کارهای زیادی در این زمینه انجام دهید. این شما، نسل جوان امروز

نابود باد جنگ،

زنده باد صلح!

اعلامیه دولت اتحاد شوروی

خطر بحران بین المللی

آنها در آنجا ناگزیر است: این کشتی ما فقط برای همراهی کشتی‌های بازرگانی ما هستند و هیچ نقشی در تنش‌فزایی در این منطقه ندارند. از این گذشته همه می‌دانند که کشتی‌های چنگی اتحاد شوروی در پی درخواست و با آگاهی کشورهای ساحلی وارد آنجا شده‌اند.

باید نظر گرفتن لزوم اتخاذ تدابیر قاطع برای سالم سازی وضع در منطقه، دولت شوروی پیشنهاد می‌کند، همه کشتی‌های چنگی که متعلق به کشورهای منطقه نیستند، در کوتاهترین مهلت از آبهای خلیج خارج شوند و ایران و عراق بنوبه خود از اعمالی که کشتیرانی بین المللی را تهدید کند، خودداری ورزند. این چاره اندیشی‌ها در کنار اقداماتی که برای سامان بخشی همه جانبه درگیری ایران و عراق انجام می‌شود، می‌تواند به آرام شدن وضع کمک کند و خطر گسترش کانون پرتنش و انفجاری چنگ را از بین ببرد.

اتحاد شوروی از نو بر موضع اصولی خود به سود قطع فوری چنگ ایران و عراق و حل مسائل مورد مناقزه در پشت میز مذاکرات سیاسی تاکید می‌کند. در این رابطه ما برای آن تلاش‌های سیاسی که اینک در چارچوب سازمان ملل متحد، بمنظور رهنمون ساختن درگیری ایران و عراق در مسیر حل مسالمت آمیز انجام می‌گیرد، اهمیت زیادی قائلیم. ما، همراه با دیگر اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد، هوادار اتخاذ تدابیر قاطع در این راستا و بویژه قطع فوری عملیات چنگی و بازپس کشیدن بیدرنگ همه سربازان به مرزهای شناخته شده بین المللی هستیم.

دبیرکل سازمان ملل متحد در مورد دستیابی به راه حل عادلانه‌ای که مورد قبول دو طرف باشد می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. اتحاد شوروی از ماموریت دبیرکل سازمان ملل متحد در راه صلح پشتیبانی می‌کند و دیگر دولت‌ها را فرامی‌خواند که همه کسکهای لازم را برای تحقق موفقیت آمیز آن انجام دهند.

وضع حاد در منطقه خلیج فارس و لزوم قطع فوری چنگ ایران و عراق می‌طلبد که همه دولت‌ها نه "سیاست کشتی‌های تویدار" بلکه سیاستی واقع‌بینانه و سازنده، سیاستی که ناشی از منافع والای حفظ صلح و تحکیم موثر امنیت بین المللی باشد را در پیش گیرند.

اتحاد شوروی آماده است با همه کسانی که واقعا هوادار این هدف‌ها باشند همکاری کند.

در این روزها و اوضاع در خلیج فارس به گونه‌ای خطرناک توخیم شده است. در آب‌های بین‌المللی خلیج که بطور سنتی برای بازرگانی و باربری مورد استفاده قرار می‌گیرد، کشتی‌های چنگی، که تعداد آنها بسیار زیاد شده است، در رفت و آمدند. این کشتی‌های چنگی از جمله متعلق به دولت‌هایی هستند که در چندین هزار کیلومتری این منطقه واقع شده‌اند. ادامه چنگ بی‌معنای چند ساله میان ایران و عراق بطور عینی به بدتر شدن وضع کمک می‌کند. سیر رویدادها در آنجا دارد به مرزی نزدیک می‌شود که در ورای آن خطر تبدیل درگیری منطقه‌ای به وضع بحرانی بین‌المللی وجود دارد.

کاملا آشکار است که اگر جلوی روندهای پیشگفته بموقع گرفته نشود و زیر کنترل قرار نگیرند، می‌توانند حتی علیرغم تصمیم و اراده دولتهای درگیر صلح و امنیت بین‌المللی را با تهدید جدی روبرو سازند.

سیر این چنینی رویدادها نگرانی‌های جدی را در سراسر جامعه بین‌المللی برمی‌انگیزد و نمی‌تواند اتحاد شوروی را نیز که پلاواست در نزدیکی کانون در حال گسترش درگیری‌ها قرار دارد نگران نکند.

در چنین شرایطی نیاز مبرم به اتخاذ تدابیر فوری و موثر پیدامی‌شود. تدابیری که بتوانند وخامت را در منطقه خلیج فارس بگونه‌ای ریشه‌ای کاهش دهد و به چنگ ایران و عراق هرچه زودتر پایان بخشد. صحبت پر سرگامی‌هاست که در راستای دستیابی واقعا راستین به آماج‌های پیشگفته باشد. تدابیر دروغین که گویا ناشی از نگرانی بخطر امنیت کشتی‌رانی یا "تامین ثبات" در خلیج فارس است و در عمل به هدف‌های خودخواهانه و سودجویانه خدمت می‌کند، مجاز نیست. سیاست ایالات متحده آمریکا که می‌کوشد از وضع نگران‌کننده کنونی در خلیج فارس بهره‌برداری کند و مقاصد اعلام شده دیرین خود را پیرامون دستیابی به برتری نظامی - سیاسی در این منطقه مهم استراتژیکی کره زمین، که آنرا عرصه "منافع حیاتی خود و نمود می‌سازد تحقق بخشد، اکنون درست در این راستا عمل می‌کند. حقیقت عریان درباره مشی ایالات متحده چنین است، گرچه بکوشد آن را با طرح مسئله موهم "خطر شوروی" از انظار پنهان کند.

و در واقع تعداد ساده لوحانی که به دروغ سازهایی از این دست که همانند پرده دود در خدمت برنامه‌ها و اقدامات توسعه طلبانه ایالات متحده آمریکاست باور داشته باشند، دیگر بسیار کم است. تا آنجا که مربوط به چند کشتی چنگی اتحاد شوروی در خلیج فارس که "واشنگتن" به آنها اشاره می‌کند می‌شود، حضور

قطعه‌نامه

علیه جنگ و اختناق در ایران

شرکت کنندگان در کنگره جنبش جوانان کمونیست فرانسه در همبستگی با سازمان جوانان توده ایران، علیه جنگ و اختناق حاکم بر کشور ما قطعنامه‌ای بدین شرح منتشر ساختند:

ما شرکت کنندگان در کنگره همبستگی خود با مبارزه جوانان ایران و "سازمان جوانان توده ایران" را اعلام می‌کنیم.

- ما کشتار جوانان و نوجوانان در جبهه‌های جنگ خانمانسوز ایران و عراق، اختناق عمومی و شکنجه و اعدام در زندانهای جمهوری اسلامی ایران را محکوم می‌کنیم؛

- ما خواهان قطع فوری چنگ ایران و عراق، پایان اختناق و شکنجه و آزادی زندانیان سیاسی هستیم.

امضاء کنندگان قطعنامه به شرح زیرند:

جنبش جوانان کمونیست فرانسه، اتحادیه جوانان دمکرات آلبوری ندیرا (سنگال)، انجمن جوانان انقلابی ماداگاسکار، اتحادیه جوانان دمکرات مصر، اتحادیه جوانان دمکرات عراق، فدراسیون جوانان دمکرات هندوستان، جوانان جبهه فاراپوندومارتی برای آزادی (السالوادور)، اتحادیه جوانان دمکرات لبنان، اتحادیه جوانان کمونیست دانمارک، اتحادیه جوانان سوسیالیست کنگو - جوانان حزب، جوانان حزب ترقی‌خواه سوسیالیسم مراکش، اتحادیه جوانان کمونیست اسپانیا، اتحادیه جوانان کنگره ملی آفریقا، سازمان آزادی بخش فلسطین، جوانان کمونیست کوبا، جوانان کمونیست اتریش، اتحادیه جوانان کمونیست سوئد، پیشگامان فرانسه، سازمان جوانان کمونیست ایتالیا، جوانان کمونیست بلژیک، جوانان کمونیست پرتغال، جوانان کمونیست شیلی، سازمان جوانان یمن دمکراتیک، اتحادیه جوانان دمکرات افغانستان، اتحادیه جوانان دمکرات فنلاند، فدراسیون کارگران ترک در فرانسه، اتحادیه جوانان کمونیست گوادالوپ، جوانان کمونیست یونان، کمیته دفاع از انقلاب پورکینافاسو.

حزب توده ایران در

"گردهمایی اولان باتور"

روزهای ۹ - ۷ ژوئیه ۱۹۷۷ دیدار مشورتی از نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری آسیا و منطقه اقیانوس آرام در اولان باتور برگزار شد. در این دیدار مشورتی نمایندگان بیست حزب، از جمله حزب توده ایران، شرکت کردند. گزارش مفصل این گردهمایی و فعالیت هیات نمایندگی حزب توده ایران بعدا به اطلاع خواهد رسید.

کمک‌های مالی رسیده:

علی و رضا ۱۰۰ مارک

NAMEH
MARDOM
No. 163

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

14. July, 1978

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است